دریچه

قطع عضو و روش‌های درمان

حبیب اجرائی‌دولت‌آباد
کاندیدای دکترای ارتوز و پروتز

● قطع عضو به برداشتن قسمتی از یک اندام یا کل آن از طریق جراحی گفته می‌شود و یکی از دردناک‌ترین تجربیاتی است که در زندگی یک فرد ممکن است اتفاق بیفتد. قطع عضو به دلایل مختلفی ایجاد می‌شود که شایع‌ترین علت آن در کشور ما سوانح جاده‌ای و بعدی مربوط به بیماری‌های عروقی است. همچنین در دوران جنگ تحمیلی و پس از آن شمار زیادی از افراد در میدان‌های جنگ و مناطق جنگی آلوده به مین دچار قطع عضو شدند. امروزه با پیشرفت علم پزشکی، تعداد افرادی که با جراحی قطع عضو از مرگ نجات پیدا می‌کنند، رو به افزایش است. از طرفی با افزایش امید به زندگی و در نتیجه افزایش تعداد سالمندان، قطع عضوهایی که به دلیل عوامل مختلف خصوصا دیابت در این گروه صورت می‌گیرد رو به افزایش است. طبق آمار سازمان بهداشت جهانی، بیشتر قطع عضوها مربوط به اندام تحتانی یعنی پاهاست و اندام فوقانی درصد کمی را به خود اختصاص می‌دهد. طبق آمار بنیاد شهید و امور ایثارگران حدود ۲۰ هزار جانباز قطع عضو در ایران وجود دارد که حدودا ۱۲ هزار نفر قطع عضو اندام تحتانی هستند. قطع عضو در اندام‌ها ممکن است در سطوح مختلف و در یک یا چند اندام رخ دهد. به طور مثال در اندام تحتانی قطع عضو ممکن است از قسمتی از انگشتان پا، مفصل مچ پا، زیر زانو، میان مفصل زانو یا از بالای زانو و لگن اتفاق بیفتد و هر چه سطح قطع عضو بالاتر و اندام‌های درگیر بیشتر باشد، محدودیت عملکردی بیشتری را به فرد تحمیل می‌کند. بعد از جراحی قطع عضو پروتز یا همان عضو مصنوعی را دریافت می‌کند. پروتزها به دو دسته کلی پروتزهای دارای عملکرد و پروتزهای زیبایی تقسیم می‌شوند. پروتز دارای اجزای مختلفی است که با توجه به سطح قطع عضو تعیین می‌شود. مهم‌ترین قسمت در یک پروتز بخشی است که باقی‌مانده اندام قطع‌شده را که به آن استامپ گفته می‌شود دربر می‌گیرد و در اصطلاح علمی به آن سوکت گفته می‌شود. سوکت به دلیل اینکه رابط بین فرد قطع‌عضوشده و بقیه اجزای پروتز است، باید به گونه‌ای ساخته شود که راحتی و عملکرد مناسب را برای فرد قطع‌عضوشده ایجاد کند و در عین حال فشارهای واردشده به استامپ را به خوبی توزیع کند. در غیر این صورت فرد تجربه مثبتی در استفاده از پروتز نخواهد داشت. برای دریافت پروتز، لازم است فرد قطع‌عضوشده پس از انجام اقدامات اولیه مثل باندژکردن، وضعیت‌دهی و تمرین‌های ورزشی که توسط پزشک به فرد آموزش داده می‌شود و حصول اطمینان از بهبود اولیه زخم و نبود ترشح در محل جراحی، به یکی از کلینیک‌های ارتوز و پروتز که توسط متخصصان این رشته اداره می‌شود مراجعه کند. سپس متخصصان پروتز بر اساس ارزیابی دقیق ویژگی‌های فرد مثل سطح قطع عضو، طول استامپ، میزان فعالیت، شغل و توانایی مالی اقدام به تجویز نوع سوکت و قطعات مناسب برای فرد قطع عضو کرده و او را جهت شروع مراحل دریافت پروتز آماده می‌کنند. به طور خلاصه مراحل ساخت پروتز به این صورت است که ابتدا از باقی‌مانده عضو بیمار قالب‌گیری شده و پس از اصلاحات لازم روی قالب، در ابتدا برای فرد چک‌سوکت تهیه می‌شود. سپس مابقی قطعات به چک‌سوکت متصل شده و فرد قطع عضو با پروتز موقت ساخته‌شده تمرین می‌کند که متعاقب آن متخصص پروتز نحوه راه‌رفتن و استفاده از پروتز را به فرد آموزش می‌دهد. در آخر پس از انجام تغییرات لازم در چک‌سوکت و مشخص‌شدن راستای مناسب قطعات، پروتز نهایی برای فرد ساخته خواهد شد. شایان ذکر است که مهم‌ترین قطعاتی که در پروتز اندام تحتانی استفاده می‌شود، شامل پنجه پروتزی، مفصل زانوی پروتزی و لاینر است که امروزه با پیشرفت تکنولوژی تحول شگرفی در زمینه طراحی و تولید این قطعات صورت گرفته است. پنجه پروتزی قطعه‌ای است که جایگزین بخش مچ به پایین فرد قطع عضو شده و از طریق لوله پروتز به سوکت متصل می‌شود. پنجه‌ها انواع مختلفی دارند ولی پیشرفته‌ترین نوع آن که در کشور ما در دسترس است پنجه‌های کربنی هستند که توانایی ذخیره و برگرداندن انرژی را به فرد حین راه‌رفتن دارند و از این طریق راه‌رفتن را تسهیل می‌کنند. موارد پیشرفته‌تر نیز وجود دارند که شامل پنجه‌های پروتزی هوشمند هستند ولی متأسفانه به علت هزینه بسیار بالا و نبود پوشش بیمه‌ای در کشورمان، دسترسی به این نوع از پنجه‌ها محدود است.مفاصل زانوی پروتزی نیز تنوع گسترده‌ای دارند و بسته به شرایط فرد قطع عضو تجویز می‌شوند. برای مثال مفاصل هیدرولیکی و پنوماتیکی که به وسیله جریان مایع و هوا تنظیم می‌شوند، برای افراد با سطح فعالیت متوسط مناسب هستند در حالی که برای افراد با سطح فعالیت بالاتر که نیاز به راه‌رفتن با سرعت‌های متفاوت در طول روز دارند، مفاصل زانوی هوشمند مناسب‌تر هستند و از سوی دیگر برای افراد سالمند که تعادل و ثبات کمی دارند، مفاصل زانوی قفل‌دار گزینه مناسبی هستند.دسته دیگر از پروتزها مربوط به پروتزهای زیبایی هستند. هدف از پروتز زیبایی بازگرداندن ظاهر مناسب و مقبول به فرد است. این پروتزها در مواردی مثل قطع انگشتان دست و پا، قطع‌شدن گوش یا بینی فرد، تخلیه چشم و بافت اطراف آن و موارد دیگر ساخته می‌شوند و به وسیله چسب‌های مخصوص، پین، آهنربا و روش‌های دیگر در محل عضو ازدست‌رفته قرار داده می‌شوند.

«شرق» خبررسانی درباره ابعاد و جزئیات اعتراض‌ها را در نظرخواهی از ۱۱ روزنامه‌نگار بررسی می‌کند

تقابل روایت رسمی و غیررسمی

صدرا محقق: اعتراض‌های بنزینی در کف خیابان زیاد به طول نینجامید و به هر شکل و شیوه‌ای که بود، جمع شد. اما گردوغبار و تبعات خبرهای آن، همچنان در آسمان شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌ها و افکار عمومی بلند است. در این میان، امکان تفکیک خبر راست از ناراست و شایعه از واقعیت نیست. خبرهای صداوسیما مثل همیشه یک‌طرفه است و گاه واقعیت آنها خیلی زود در شبکه‌های اجتماعی، به مدد چند عکس و توییت، به چالش کشیده می‌شود و اغلب نه‌تنها باور نمی‌کنند، بلکه به آن می‌خندند. همه چیز این ماجرا البته خنده‌دار نیست؛ آمار کشته‌شدگان اعتراض‌ها یکی از آنهاست که هر رسانه و کاربر شبکه اجتماعی، رقمی برای آن اعلام می‌کند؛ از صد و خرده‌ای تا ۴۰۰ نفر به بالا (و انگار نه انگار که این شماره‌ها، عدد جان انسان است). در موضوعی دیگر، اینکه ادعا شده برای دادن جنازه افراد کشته‌شده پول‌های میلیونی گرفته شده است؛ از ۴۰۰ میلیون تا ۱۵ میلیون تومان؛ کسی هم نمی‌پرسد از این حجم میلیونی، چرا فیشی، سندی، کارت‌به‌کارتی، چیزی منتشر نمی‌شود و اغلب باور می‌کنند. روایت رسمی هم مثل لاک‌پشت در حال حرکت است و خبری از اطلاع‌رسانی دقیق و درست نیست. در این میان، با درنظرگرفتن جمیع جهات، به نظر روایت رسمی از روایت و آمار غیررسمی، با هر شدت و حدتی شکست خورده است و خیلی از مخاطبان، دومی را بیشتر پذیرفته‌اند. در گزارش امروز از ۱۱ روزنامه‌نگار فعال در رسانه‌های مختلف کشور، از اصولگرا تا اصلاح‌طلب و از روزنامه تا هفته‌نامه‌های تخصصی، پرسیده‌ام نظر شما دراین‌باره چیست و علت را در چه می‌دانید؟ پاسخ‌شان در ادامه آمده است:

روایت‌های بی‌مسئول

محمود ملکی، سردبیر سابق تابناک

اعتراض‌هایی که به‌ویژه در غیاب نهادهای مرسوم و شناخته‌شده مانند احزاب و تشکل‌های مدنی، از سوی شبکه‌های اجتماعی هدایت می‌شوند، عموما فاقد مدیریت واحد و سلسله‌مراتب است. این جنبش‌ها خودمختار بوده و بدون برنامه‌ای مشخص هستند. وقتی اطلاع‌رسانی از سوی نهادهای اطلاع‌رسانی مرسوم هم از این تحولات دور نگه داشته می‌شود، ویژگی‌های همان اعتراض‌ها نیز به جریان اطلاع‌رسانی کشیده می‌شود و روایت موازی، خودمختار، شتاب‌زده همراه با بی‌تعهدی هم به آنان اضافه می‌شود؛ روایت‌هایی که کسی به خاطر روایتگری آن مسئول نیست. این اتفاقی است که در یک هفته گذشته افتاده و به‌ویژه در مسئله ماهشهر، پررنگ‌تر از هر بخش دیگری این روزها برجسته شده است.

راویان رسمی، رسانه‌های آزاد

علی حق‌شناس، روزنامه‌نگار

روایت رسمی از حوادث ۹۸ شکست خورده است، «راویان اصلی، جدی و رسمی» مگر غیر از رسانه‌ها هستند؟ مگر در همه‌جای جهان روایت رسمی از جایی غیر از رسانه‌ها شنیده می‌شود؟ اگر می‌خواهیم علت غلبه امروز روایت‌های غیررسمی را دریابیم، نگاه کنیم به اینکه با رسانه‌ها (اعم از رسانه‌های مکتوب و مجازی، رسانه‌های جدید و قدیم، رسانه‌های صوتی و تصویری و...) چه کرده‌ایم؟ در تمام این سال‌ها، رسانه‌ها به چشم مزاحم دیده شدند (بگذریم از آنها که ما را بیگانه و عامل خارجی می‌پنداشتند)، تهدید شدند، تحقیر شدند و روز به روز ضریب نفوذشان کمتر شد. آنچه امروز درو می‌کنیم، تلخ است، اما حاصل بذرهای مسمومی است که در سال‌های گذشته کاشته‌ایم. خب، از شکست «راویان رسمی» دردمان آمده است؟ متوجه میزان خسارت این شکست شده‌ایم؟ اگر جواب مثبت است که مسیر معلوم است؛ هرکس، هرچه دارد به میدان آورد برای آنکه «رسانه آزاد» در مملکت ما نیز پا بگیرد. کار یک روز و دو روز هم نیست. امروز که شروع کنیم، شاید یک دهه دیگر جواب دهد هر ایده دیگری محکوم به شکست است؛ حتی اگر بکوشیم به ضرب و زور دوباره چرخ را اختراع کنیم.

ازخیابان دورمانده‌ایم

سیاووش فلاح‌پور، خبرنگار حوزه منطقه

ناکامی روایت رسمی در برقراری ارتباط با افکار عمومی، پیش از هر چیز به فاصله عمیق اجتماعی و حتی فرهنگی صاحبان و اصحاب رسانه با خیابان برمی‌گردد؛ فاصله‌ای که در پی تحولات سیاسی-اقتصادی دو دهه اخیر ایران، به شکل درخور توجهی بیشتر شده است. به عبارت دیگر، نه‌تنها دولت با تأکید بر مفهوم امنیت در بسیاری از موارد از فهم خیابان ناتوان است، بلکه حتی اصحاب رسانه‌ها نیز که قرار بود صدای مردم باشند (و ادعا می‌کنند که هستند)، دیگر فهم دقیقی از موقعیت و مطالبات خیابان ندارند و در فضایی دور از واقعیت به تحلیل ماوقع می‌پردازند. در چنین شرایطی، سانسور و نگرانی رسانه از نزدیک‌شدن به واقعیت نیز بر عمق این مسئله افزوده است.

روایت رسمی دودشده

مریم شبانی، روزنامه‌نگار

مسئله چندان پیچیده نیست. به نظرم، وقتی خودِ رئیس‌جمهور با پوزخند در برنامه‌ای رسمی می‌گوید من خبر نداشتم، وقتی وزیرش از سر نمی‌دانم چه فکر و نظری، شماره تلفن شخصی خود را برای مردم منتشر می‌کند تا نظراتشان را بشنود، وقتی دادستان می‌گوید کسی از آمار کشته‌ها خبر ندارد، وقتی سخنگوی دولت از رنگین‌شدن خیابان‌ها می‌گوید و...، یعنی قبل از اینکه ما بخواهیم تشکیک وارد کنیم، روایت رسمی باطل شده. در چنین وضعیتی جایی برای اثرگذاری روایت رسمی باقی نمی‌ماند.

دست‌های بسته خبرنگاران

سینا قنبرپور، دبیر گروه اجتماعی روزنامه اعتماد

به نظر می‌رسد ظهور و بروز شبکه‌های اجتماعی و تولد پدیده‌ای به نام «شهروند-خبرنگار» در عین حال که به گردش بیشتر اطلاعات به ویژه خبرها و رویدادها کمک کرده، آسیب‌هایی به سیستم اطلاع‌رسانی هم وارد کرده است. قطعا منظور از روایت رسمی و روایت غیررسمی را هم باید ابتدا مشخص کنیم و بعد به بحث قبلی بیفزاییم. با این فرض که روایت رسمی حاصل طی فرایند روزنامه‌نگارانه و خبرنگارانه است، این موضوع را ادامه می‌دهم. متأسفانه پیشرفت تکنولوژی و قابل‌دسترس‌شدن دوربین و اینترنت برای همگان مرزی را از بین برده که آن مرز تعیین‌کننده بود. خبرنگاران و اصحاب رسانه به عنوان کسانی که اطلاعات را جست‌وجو، منتشر یا بازنشر می‌کردند، در فرایندی این کار را انجام می‌دادند که از جمله مهم‌ترین عوامل مؤثر در آن فرایند «راستی‌آزمایی» و بررسی منبع بود. از سوی دیگر برای انعکاس یک رویداد فقط به یک زاویه دید به ماجرا اکتفا نمی‌کردند و از افراد مختلف که از زوایای مختلفی به آن رویداد واقف یا با آن درگیر بودند، پرس‌وجو می‌کردند. حال اینکه فرصت‌ها به هر دلیل از خبرنگاران گرفته شده یا خود آنها کم‌کاری می‌کنند؛ این جای بحث دارد. اما موضوع این است که در انتشار اطلاعات و انعکاس رویدادها مردم یا به اصطلاح «شهروند-خبرنگار»ها خیلی از فنون و اصول رشته ارتباطات را به کار نمی‌گیرند و از همه مهم‌تر تابع هیجانات و احساسات بسیاری از اقداماتشان را سامان می‌دهند. آنچه در هفته آخر آبان و در پی افزایش قیمت بنزین رخ داد، بستن دست‌های خبرنگاران واقعی و محدودکردن رسانه‌ها بود که در نتیجه هرکسی غیر از آنها بود، می‌توانست هرچه می‌خواهد را بدون محاسبه و ارزیابی تولید و منتشر کند. پس واقعیت این است که روایت‌های رسمی کار را به روایت‌های غیررسمی باختند. رسانه‌هایی که برپایه همین روایت‌های غیررسمی پیش رفتند، نظیر تلویزیون‌های فارسی‌زبان خارجی یا خبرگزاری‌های خارجی نمود بارز پیشی‌گرفتن روایت‌های غیررسمی بودند چون آنها هم خبرنگار مستقر در محل نداشتند.

ازدورخارج‌کردن روایت مرجع

آرش برهمند، روزنامه‌نگار حوزه فناوری اطلاعات

گذر از فلیترشکن‌ها برای کاربر ایرانی شروع ورود به فضای سایه‌روشن رسانه‌ای است. مرزی که چنان توسط نهادهای نظارتی هر روز تنگ‌تر شده که دیگر حتی برای قانون‌مدارترین شهروند/ کاربر هم گذرنکردن از آن اجتناب‌ناپذیر است. توییتر، اینستاگرام و بقایای تلگرام با داشتن معدود کانال‌های رسمی و نیمه‌رسمی دست‌کم در مسیر این بلوغ بودند تا بتوانند روایت مرجعی را شکل دهند ولی خاموش‌کردن چراغ اینترنت حتی همین کانال‌های نیمه‌بالغ را هم از دور خارج کرد تا امروز با سوسوزدن دوباره این چراغ رسانه‌های واقعی دیگر هیچ مرجعیتی نداشته باشند.

جنگ حمایت‌های پایدار

محمد منصوری‌بروجنی، روزنامه‌نگار

صاحبان روایت محتاج «حمایت پایدار» مستمعانشان هستند. ممکن است در مواردی مستمع آنها در درستی روایت تردید کند و این عجیب نیست، اما مستمع باید در کل و ازجمله صاحب روایت را معتبر بداند. قدرتمندی، محصول حمایت همه‌جانبه شهروندان است. عجیب نیست اگر روایت رسمی، پرحامی‌ترین روایت باشد، عجیب آن است که کمیت حمایت از روایت رسمی لنگ بزند. جلب حمایت پایدار، مثل گردآوردن سرمایه با حقوق کارمندی است: به تدریج و با استمرار حاصل می‌شود. شهروندان در برابر رخدادهای کوچک و بی‌اهمیت تصمیم می‌گیرند که روایت درست آن چیست و سکه اعتبار را به قلک صاحب درست‌ترین روایت می‌اندازند، آن‌گاه در برابر رخدادهای بزرگ که داوری‌کردن بین روایت‌ها گیج‌کننده و دشوار می‌شود، از تاریخ کمک می‌گیرند و به سراغ قلک‌های اعتبارشان می‌روند. کدام رسانه در اکثر مسائل کوچک و بی‌اهمیت درست‌ترین و دقیق‌ترین راویت را داشت؟ اینجا هم آن رسانه درست می‌گوید. صاحب روایتی که حمایت پایدار را از دست داده و در مسائل مرزی دست بالا را ندارد، باید این را در گذشته خودش جست‌وجو کند.

خساست منابع رسمی

صادق نیکو، سردبیر سایت تبیان

روایت رسمی اعتراضات بنزینی در تقابل با روایت غیررسمی شکست خورد. به دلیل اینکه روایت مردمی وجود نداشت تا بین روایت رسمی و غیررسمی قضاوت کند. در اوج بحران به واسطه اختلال اینترنت روایت مردمی نداشتیم. فقط رسانه‌های رسمی و رسانه‌های خارج‌نشین امکان تولید و انتشار محتوا را داشتند. دومین علت عدم توفیق رسانه‌های رسمی در اقناع افکار عمومی خساست منابع رسمی در ارائه اطلاعات و توضیحات است. مصاحبه‌های مسئولان از دست‌های پشت پرده زمانی می‌تواند اثرگذار باشد که مستند باشد وگرنه توصیف مسئولان به تنهایی کارکرد چندانی ندارد.

نه «بیست‌وسی» نه «بی‌بی‌سی»

مجتبی حسینی، سردبیر اعتماد آنلاین

بازی قدرت و مسابقه طناب‌کشی بین پوزیسیون و اپوزیسیون جدی‌تر از همیشه در حال برگزاری است. طرف‌های درگیر این بازی با تمام توان در میدان سیاست قصد پیروزی دارند. تبعات این جدال تمام‌عیار در هر اتفاق ریز و درشتی که برای ایرانیان رخ می‌دهد به راحتی قابل مشاهده است. ماجرای تلخ و پررنج اعتراضات اخیر شاهد مثال همین ادعاست.بوق‌های تبلیغاتی از ۲۰:۳۰ تا بی‌بی‌سی و از کیهان تهران تا کیهان لندن برای بالابردن شانس پیروزی، روایات متضادی را درباره تعداد جان‌باختگان و بازداشت‌شدگان به سمت افکار عمومی شلیک کردند. هرچند قطع اینترنت یا کورکردن شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان مرجع مردم برای دسترسی به اخبار این شانس را به رسانه‌های آن‌ور آبی داد تا جای خالی رسانه‌های وطنی را پر کنند. رسانه‌های اپوزیسیون هم با عملکرد خود نشان دادند که به مثابه شبکه‌های اطلاعاتی فقط می‌توانند به جان و ذهن مردم نگران از وقایع بیفتند و ترس آنان از آینده را بیشتر کنند. جدای از برندگان و بازندگان بازی روایات، آنچه رنج وقایع اخیر را بیشتر می‌کند این است که اذهان ملت ایران در عملیات روانی و بازی شبکه‌های پوزیسیون و اپوزیسیون در حال قیچی‌شدن است. در این شرایط جای خالی رسانه‌ای که تریبون مردم باشد بیش از همیشه احساس می‌شود. به‌واقع هر جریانی که سعی در پنهان‌کاری یا فریب‌کاری داشته باشد و گمان کند با این روش می‌تواند برنده نهایی بازی باشد سخت در اشتباه است.

نکته

تغییرات جدید اکوسیستم رسانه‌ای، همه‌جای دنیا در نبرد بین روایت‌های رسمی و غیررسمی، موازنه را به نفع روایت‌های غیررسمی به‌هم زده است

تکل از پشت روی پای رسانه‌ها

رضا جمیلی، سردبیر هفته‌نامه آتیه‌نو

تاکتیک رسانه‌ای اعلام خبر افزایش قیمت بنزین، تاکتیک غافلگیری مخاطب بود. به نظر می‌رسد فرد یا افرادی که به‌عنوان مشاور، کارشناس یا تصمیم‌گیرنده در کنار نهادی که مجری گران‌کردن بنزین بود حضور داشتند، به این نتیجه رسیده بودند که بهتر است خبر بد را یک‌باره اعلام کرد. قرار بود خبر یک‌باره داده شود تا پذیرش آن از منظر قطعی‌بودنش، راحت‌تر و بی‌دردسرتر انجام شود. اما هدف هرچه بود، این تاکتیک شکست خورد، چراکه رسانه‌های غیررسمی و شبکه‌های اجتماعی ابتکارعمل اطلاع‌رسانی درباره ابعاد ماجرای قیمت بنزین و مهم‌تر از آن، وقایع و حواشی بعد از آن را که در شهرهای مختلف رخ داد به دست گرفتند. تقابلی شکل گرفت که یک سوی آن دولت و دیگر تصمیم‌گیرندگان تغییر نرخ بنزین بودند با انبوهی رسانه رسمی که هم توسط تصمیم‌گیرندگان دولتی غافلگیر شده بودند و هم توسط معترضان! هم مهم‌ترین ابزار و مزیت آنها؛ یعنی جلوبودن از مخاطب با بخشنامه و دستورالعمل‌های شفاهی از آنها گرفته شده بود. در سوی دیگر هم کارشناسان طیف‌های مخالف دولت و معترضان خیابانی در حال خبرسازی و خبررسانی بودند. در ماجرای بنزین، بیش از دولت، این رسانه‌ها بودند که عملا آچمز شدند. روایت‌ها و خرده‌روایت‌ها و شایعات و خبرها بلافاصله از جبهه مخالفان دولت و معترضان تولید و توزیع شد، اما رسانه‌های رسمی با تأخیری دوروزه وارد میدان شدند و با قدرت مانور محدود و کنترل‌شده تلاش کردند از مزایای طرح دولت دفاع کنند. در این میان تکلیف صداوسیما هم روشن بود. از رسانه‌ای که بیش از اقناع معترضان، آچمزشدن دولت برایش سوژه خبری بود، نمی‌شد انتظار خاصی داشت. خلاصه اینکه در ماجرای بنزین، بزرگ‌ترین ضربه به رسانه‌هایی وارد شد که با اینکه در جریان اتفاقی که قرار بود رخ دهد بودند، اما با یک تاکتیک اشتباه، به گوشه رینگ افتادند و زود موج خبری را به رسانه‌ها و کانال‌های اجتماعی باختند.

تغییرات اکوسیستم رسانه‌ای

عباس رضایی‌ثمرین، روزنامه‌نگار

تغییرات جدید اکوسیستم رسانه‌ای، همه‌جای دنیا در نبرد بین روایت‌های رسمی و غیررسمی، موازنه را به نفع روایت‌های غیررسمی به‌هم زده است. در ایران اما فراتر از این جریان جهانی، یک روند هم برای اعتبارزدایی از رسانه‌ها جریان دارد که از مدت‌ها پیش آغاز شده و مهجوریت روایت‌های رسمی را بیشتر کرده است. بخشی از این اعتبارزدایی بی‌تردید در سیاست‌های حاکمیتی ریشه دارد، بخش دیگری هم حتما به درون رسانه‌ها برمی‌گردد که هر دو مورد باید در مجال موسع‌تری بازخوانی شود. اجمالا ولی ایجاد محدودیت و تضعیف رسانه‌ها، تقویت خواسته یا ناخواسته رقبای رسانه‌های رسمی و برخی اشتباهات استراتژیک در سیاست‌گذاری رسانه‌ای در کشور عوامل مؤثر در روند اعتبارزدایی، اعتمادزدایی و مرجعیت‌زدایی از رسانه‌ها هستند؛ به‌عنوان‌مثال ایجاد و تقویت کارکرد رسانه‌ای برای یک نرم‌افزار پیام‌رسان موبایلی - که تقریبا در هیچ‌کجای دنیا به‌جز ایران سابقه ندارد- جزء نقاط عطف در سیاست‌گذاری رسانه‌ای در طول ۴۰ سال گذشته به شمار می‌رود. این اتفاق که بی‌تردید با برخی حمایت‌های رسمی رقم خورد، در کنار مواهب غیرقابل‌انکاری که در حوزه گردش آزاد اطلاعات داشت، پیامدهای ناخواسته‌ای هم در حوزه حکمرانی و مدیریت ارتباطات در سطح کشور به وجود آورد که برای اولین‌بار در دی‌ماه ۹۶ رخ داد و در حوادث اخیر نیز به چشم آمد. اصالت‌یافتن روایت‌های غیررسمی، میدان‌یافتن شبه‌رسانه‌ها و زمینه‌سازی برای جولان فیک‌نیوزها از جمله این پیامدهاست. بی‌تردید اگر روند اعتبارزدایی از رسانه‌های رسمی در کشور کلید نخورده بود یا با سیاست‌گذاری‌های معیوب، مرجعیت این رسانه‌ها خدشه‌دار نشده بود، امروز روایت‌های رسمی در مواجهه با روایت‌های غیررسمی این‌قدر مهجور نبودند.

خبر

حمایت از خانواده‌های آسیب‌دیده حوادث اخیر

● **ایسنا:** اعضای شورای شهر تهران صبح روز گذشته طرحی را با قید دوفوریت امضا کردند که بر اساس آن شهرداری تهران ملزم به ارائه لایحه‌ای برای رسیدگی به خانواده‌های آسیب‌دیده در حوادث اخیر شد.دوفوریت طرح رسیدگی به خانواده‌های آسیب‌دیدگان در حوادث اخیر تهران روی میز بررسی شورای شهر قرار گرفت و محسن هاشمی در تشریح دوفوریت این طرح گفت: اعضای شورای شهر طرحی را تحت عنوان الزام شهرداری به ارائه لایحه‌ای برای رسیدگی به خانواده‌های آسیب‌دیده در حوادث اخیر با ۲۰ امضا به هیئت‌رئیسه تحویل داده‌اند. همچنین اعضای شورای شهر، شهربانو امانی، محمدجواد حق‌شناس و محمود میرلوحی را به‌عنوان اعضای کمیته سه‌نفره انتخاب کردند.

ابلاغ دستورالعمل پیشگیری از شیوع آنفلوانزا به مدارس

● **فارس:** معاون تربیت‌بدنی و سلامت وزیر آموزش‌وپرورش از ابلاغ دستورالعمل پیشگیری از شیوع آنفلوانزا به مدارس خبر داد.مهرزاد حمیدی، معاون تربیت‌بدنی و سلامت وزیر آموزش‌وپرورش، درباره برنامه‌های این وزارتخانه برای پیشگیری از بیماری آنفلوانزا، اظهار کرد: دستورالعمل پیشگیری از شیوع آنفلوانزا را هفته گذشته ابلاغ کردیم.وی با بیان اینکه آموزش‌های لازم به مدارس انجام شده است، گفت: سمیناری هفته گذشته برگزار شد که یکی از محورهای آن پیشگیری از شیوع بیماری آنفلوانزا بود.حمیدی تصریح کرد: باید معلمان آگاه باشند که اگر دانش‌آموزی مشکوک به بیماری آنفلوانزاست و آثاری را در او دیدند، سخت نگیرند و با والدینش هماهنگ کنند که به منزل برود.وی افزود: سه روز اول در این بیماری حیاتی است و لازم است که دانش‌آموزان استراحت کرده و تحت درمان قرار گیرند و همچنین از شیوع این بیماری در مدرسه جلوگیری شود.

دستگیری فردی که کودک زباله‌گرد را درون سطل زباله انداخت

● **شرق:** روز گذشته یک فیلم کوتاه و تکان‌دهنده در شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان پربازدیدترین فیلم منزجرکننده آن‌قدر دست‌به‌دست شد تا بالاخره خبر دستگیری فرد خاطی در آن فیلم منتشر شد. در این فیلم کوتاه مرد جوانی با خنده پسربچه‌ای را که به‌دنبال زباله سرش را درون سطل زباله کرده از پا آویزان و درون سطل می‌اندازد و خنده‌کنان برمی‌گردد پیش دوستش که دارد از این لحظه فیلم می‌گیرد. این فیلم دفعات زیادی توسط کاربران در شبکه‌های اجتماعی بازنشر شد و شب گذشته ستاد امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر از دستگیری این فرد توسط دادستانی استان البرز خبر داد.

شرکت عمران شهر جدید هشتگرد

آگهی فراخوان عمومی دو مرحله ای به شماره ۲۸-۹-۹۸/م (نوبت دوم)

شرکت عمران شهر جدید هشتگرد در نظر دارد با استناد به مصوبات هیئت مدیره نسبت به برگزاری فراخوان عمومی دو مرحله ای به منظور خرید، حمل به محل و راه اندازی چهار دستگاه اتوترانسفورماتور شانزده مگا واتی برای پست های ATP گلشهر و کردان با مبلغ برآورد اولیه ۸۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال و به حروف هشتاد میلیارد ریال بر اساس قانون برگزاری مناقصات به شرح ذیل اقدام نماید.

نحوه خرید اسناد مناقصه:

از کلیه تامین کنندگان دعوت به عمل می آید برای دریافت اسناد شرکت در فراخوان از تاریخ ۹۸/۹/۱۰ لغایت ۹۸/۹/۱۷ به سامانه تدارکات الکترونیک دولت به نشانی http://setadiran.ir مراجعه نمایند. آخرین مهلت بارگذاری اسناد مناقصه در سایت مذکور تا ساعت ۱۶:۰۰ روز پنج شنبه مورخ ۹۸/۹/۲۸، می باشد. اسناد در ساعت ۱۱ روز شنبه مورخ ۹۸/۹/۳۰ در سالن جلسات شرکت از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت بازگشایی می شود.

- مبلغ فروش اسناد مناقصه ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال به حروف یک میلیون ریال و قابل پرداخت از طریق سایت می باشد.

نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار :

- اصل فیش یا تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ ۳,۵۶۸,۰۰۰,۰۰۰ ریال (سه میلیارد و پانصد و شصت و هشت میلیون ریال) را به حساب شماره ۴۰۰۱۰۳۶۹۰۶۳۷۴۱۹۹ (IR۹۴۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۰۳۶۹۰۶۳۷۴۱۹۹ شبا) بانک ملی به نام شرکت عمران شهر جدید هشتگرد واریز و در سایت بارگذاری شود. در صورت عدم امکان دریافت یا بارگذاری اسناد در سایت با پشتیبانی سامانه تماس حاصل فرمایید. ارائه اصل ضمانتنامه شرکت در فرآیند ارجاع کار، تا ساعت ۱۶ مورخ ۹۸/۹/۲۷ به دفتر اداره پیمان و رسیدگی شرکت (به آدرس:شهر جدید هشتگرد فاز ۲ محله ۴ خیابان نیایش خیابان شهید مسیح صلاحی، پلاک ۴۹) الزامی است.

- عدم ارائه اصل ضمانتنامه تا تاریخ فوق به منزله انصراف از فراخوان می باشد.

- تامین کنندگان دارای تجربه کاری مشابه و سوابق کافی.

ضمنا ارائه شناسه مالی و کد اقتصادی شرکت ، جهت دریافت اسناد الزامی می باشد. آگهی این مناقصه در پایگاه اینترنتی ملی مناقصات (https://iets.mporg.ir/) و پایگاه اینترنتی شرکت عمران به آدرس www.hashtgerd-ntoir.gov.ir و سامانه تدارکات الکترونیک دولت (http://setadiran.ir/setad/cms) قابل مشاهده می باشد.

شرکت عمران شهر جدید هشتگرد